

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

عمرو بن جناده

شمشیر و اسب زخمی

اعتبار سند: اولویت ۱

تطبیق محتوا با سند: اولویت ۱

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب) / ج ۴ / ۱۰۴ / فصل فی مقتله ع

ثُمَّ بَرَزَ جُنَادَةُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَنْصَارِيُّ مُرْتَجِزًا
أَنَا جُنَادٌ وَأَنَا ابْنُ الْحَارِثِ
عَنْ بَيْعَتِي حَتَّى يَرِثَنِي وَارِثِي
فَقَتَلَ سِتَّةَ عَشَرَ رَجُلًا ثُمَّ بَرَزَ ابْنُهُ وَاسْتَشْهَدَ.
لَسْتُ بِخَوَّارٍ وَلَا بِنَاكِثٍ
الْيَوْمَ تَارِي فِي الصَّعِيدِ مَآكِثِي

بعد از آن جوان جناده بن حارث انصاری برای مبارزه خروج نمود و این رجز را میخواند:

- 1- انا جناد و انا بن الحارث
لست بخوار و لا بناکث
- 2- عن بیعتی حتی یرثنی وارث
الیوم شلوی فی الصعید ماکث

۱- یعنی من جناده‌ام. من پسر حارث هستم. من سست و خائف و پیمان شکن نیستم

۲- من از بیعت خود دست بر نمی‌دارم تا شهید شوم و وارثی از من ارث ببرد.

امروز کالبد و جنازه من روی زمین خواهد بود. سپس همچنان جهاد نمود تا شهید شد- رحمت الله علیه.

تسلیة المجالس و زینة المجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۹۷، آیات لشاب قتل أبوه فی المعركة و آیات لامه

ثم خرج شاب قتل أبوه فی المعركة، و كانت أمّه معه، فقالت له أمّه: اخرج یا بنی و قاتل بین یدی ابن رسول الله، فخرج، فقال الحسین علیه السلام: هذا شاب قتل أبوه، و لعلّ أمّه تكره خروجه.

فقال الشاب: أمی أمرتنی بذلك، فبرز و هو يقول:

أَمِيرِي حُسَيْنٌ وَ نَعَمَ الْأَمِيرُ	سُرُورُ فُؤَادِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ
عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الدَّاهُ	فَهَلْ تَعْلَمُونَ لَهُ مِنْ نَظِيرِ
لَهُ طَلَعَةٌ مِثْلُ شَمْسِ الضُّحَى	لَهُ غُرَّةٌ مِثْلُ بَدْرِ مُنِيرِ

و قاتل حتى قتل، و حرّ رأسه و رمى به إلى عسكر الحسین علیه السلام، فحملت أمّه رأسه و قالت: أحسنت یا بنی، یا سرور قلبی، و یا قرّة عینی، ثم رمت برأس ابنها رجلا فقتلته، و أخذت عمود خیمه و حملت علیهم، و هی تقول:.. و ضربت رجلین فقتلها، فأمر الحسین علیه السلام بصرفها و دعا لها.

سپس جوانی برای جهاد در راه خدا خروج کرد که پدرش در میدان کارزار شهید شده بود و مادرش همراهش بود. مادرش به وی گفت: ای پسرکم، برو و در پیش روی پسر رسول خدا بجنگ. پس خارج شد.

7 امام حسین فرمودند: این نوجوانی است که پدرش در میدان جنگ کشته شده است، شاید مادرش از اینکه او به جنگ برود، کراهت داشته باشد.

پسر عرض کرد: مادرم به من چنین دستوری داده. پس نمایان شد و می گفت:

7 امیر من امام حسین است که خوب امیری می باشد. حسین سرور قلب پیغمبر خدا **6** است که بشارت دهنده [به بهشت] و ترساننده [از جهنم] است

علی و فاطمه پدر و مادر امام حسینند. آیا نظیر حسین کسی را می شناسید؟!

7 امام حسین دارای طلعتی است مثل آفتاب درخشان و دارای پیشانی است نظیر ماه منیر.

این نوجوان جنگید تا شهید شد. پس سرش را از تن جدا کردند و به طرف لشکر امام حسین **7** انداختند. مادر سر فرزند را برداشت و گفت: احسنت ای پسرکم! ای شادی قلبم! و ای نور چشمم! سپس به خیمه برگشت، یک عمود خیمه (یا شمشیری) برداشت، به دشمن

حمله کرد؛ در حالی که رجزهایی می خواند و با آن دو نفر را به هلاکت رساند. امام حسین **7** دستور دادند که او را برگردانند و برایش دعا کردند و او را به خیمه بازگردانند.